**نکته ای در آموزش**

**تفضلی، مسعود**

با پیشرفت صنعت،علوم طبیعی و اختراعات جدید وسائل ظاهری آسایش‏ زندگانی بیشتر شده است ولی فقر درونی زیادتر گشته است بشر امروز بیشتر بدنبال‏ استفادهء مادی است و در هر عملی که انجام می‏دهد بدنبال سود مادی آن می‏باشد.

سینما که ابتدا جنبهء آموزشی داشت بصورت دکانی درآمده که در آن کالایی‏ بجز تحریک و نشویق جوانان به جنایت و زد و خورد و یا مسائل جنسی عرضه نمیشود. آگهی‏های تجارتی هم مردم را بنوعی دیگر می‏فریبند.کتاب‏های گمراه کننده نیز به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته است.مجلات نیز پر از تصاویر زنان برهنه‏ و داستانهای خیانت‏آمیز شده‏اند.افراد که بصورت توده‏های عظیم و مشابه در شهر ها زندگانی می‏کنند استقلال و آزادی فردی را از دست داده بصورت پیچ و مهره‏ های ماشین عظیم تمدن جدید درآمده‏اند.

در اینصورت چه باید کرد؟آیا باید بشر همراه با سیر تمدن مادی دچار فقر معنوی گردد؟بشر سرگردان امروزی معنویت را کجا و چگونه باید جستجو نماید؟ در مذهب؟خانواده یا اجتماع؟

مذهب که در قرن گذشته تکیه‏گاه بشر بود پایه‏هایش سست شده است.خانواده‏ که پشتیبان کودک بود نیز استحکام خود را از دست داده است.در مدرسه هم برای‏ جوانان فرصتی نیست که خود ساخته و متعادل بار آیند.اجتماع هم آنچه عرضه می- کنند گمراه کننده و فریبنده است.

پس برای بشر امروز چه مانده است آیا باید دست روی دست بگذارد و بسقوط تدریجی خود بنگرد یا بر پای خیزد و خود را از انحطاط نجات دهد.شاید تنها عاملی‏ که مانع از سقوط بشر امروزی می‏گردد دانش و علم است.

باید به مردم فرصت داد که در هر سن و سالی به کسب دانش و علم بپردازند و در راه تکامل و تعالی کوشش کنند.باید برای آنان مدارس و دانشکده‏های شبانه‏ تأسیس کرد و به آنها فرصت داد تا در سنین بالا نیز به دانش و معلومات خود بیفزایند و با تکامل شخصیت خود،سدی مقاوم و درونی در مقابل تأثیرات نامطلوب خارجی‏ ایجاد کنند.